

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام موسسه : امام حسین (ع)

ناحیه آموزش و پرورش : ناحیه ۲

نام شهرستان : نیشابور

مدرسه : امام حسین (ع)

(پنجمین جشنواره علمی پژوهشی تا ثریا)

عنوان پژوهش : تاثیر رسانه و جامعه بر تربیت کودکان و نوجوانان

دبیر راهنما : جناب آقای سعدآبادی

پایه و رشته تحصیلی : دهم تجربی

نام پژوهشگر : محمد حاجی بیگلو

سال پژوهش : ۹۸-۹۹

تقديم به:

مقام معظم رهبری

چکیده

امروزه رسانه ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش های فرهنگی و اجتماعی در رفتار کودکان و نوجوانان دارای نقش مهمی است هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر رسانه ها بر تربیت رشد کودکان و نوجوانان است نتایج نشان داد که بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و رشد شناختی و اجتماعی کودکان رابطه معناداری وجود دارد اما بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و رشد عاطفی و روانی کودکان رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه: رسانه، رشد، عاطفه، رشد شناختی، رشد روانی، رشد اجتماعی

فهرست

۶.....	مقدمه.....
۷.....	پیشینه تحقیق.....
۸.....	اهداف.....
۹.....	فرضیه ها.....
۱۰.....	روش کار.....
۱۱.....	متن تحقیق.....
۲۰.....	جمع بندی.....
۲۱.....	پیشنهادات.....
۲۲.....	منابع.....

مقدمه

در هر عصری شیوه ها و روش های تربیت و آموزش تا حدی دستخوش تغییر می شوند که می توان علت اصلی آن را شرایط زمانی و مکانی و البته در دنیای جدید ظهور گسترش رسانه ها دانست بی تردید امروزه یکی از موثرترین عوامل تربیت در هر جامعه ای رسانه ها می باشند آنها با وسعت دامنه ی خود حکم دانشگاه عمومی دارند که ب همه اقشار جامعه سر و کار دارند در عصر جدید که عصر فناوری های ارتباطات و اطلاعات و نیز عصر تغییر نام گرفته ی رسانه های نوین یا در نور دیدن فاصله ی مکانی و زمانی تمامی عرصه های مختلف زندگی بشر به ویژه تعلیم و تربیت را درگون ساخته و معنا و مفهوم تازه ای به آن بخشیده است رسانه ها به یک عضو جداناپذیر در جامعه تبدیل شده اند و حذف آن ناممکن است باتوجه به این امر باید راه کارهایی برای استفاده درست از این فناوری ها در جامعه ارایه شود رسانه ها نقش بسیار مهمی در فرهنگ سازی جامعه ایفا میکنند که می تواند دارای تبعات سالم و مفید و یا ناسالم و غیر مفید باشد.

پیشینه تحقیق:

آقای محسن فراهانی و خانوم زهره سعید در این زمینه پژوهش انجام دادند

اهداف

سوال پژوهش: آیا بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و رشد کودکان رابطه ای وجود دارد؟

فرضیه ها

بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و رشد کودکان رابطه وجود دارد.

روش کار در این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی می باشد.

متن

رسانه ها جمعی به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری در کنار خانواده محیط آموزشی و دوستان نقش مهمی در رشد و تربیت در جنبه های گوناگون کودک ایفا می کنند رسانه ها از نخستین سال های کودکی با انسان همراه می شوند چنان که بر اساس پژوهش های صورت گرفته نوزادان نیز در حدود نیم ساعت در روز تلویزیون تماشا می کنند (نیومن ۱۹۹۷) آموزه ها و اطلاعات متفاوتی از طریق رسانه ها به ویژه تلویزیون به کودکان و نوجوانان ارائه می شود در این تحقیق تاثیرات رسانه های ارتباطی از قبیل تلویزیون سینما ویدئو ماهواره و مطبوعات در رشد و تربیت کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار میگیرد (میرفخرایی، ۱۳۸۵)

رسانه ها به ابزارهای انتقال پیام ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می شود که شامل روزنامه کتاب رادیو تلویزیون ماهواره تکنولوژی های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است این وسایل دارای ویژگی هایی مانند پیام گیران ناشنا سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند (دادگران، ۱۳۸۴)

در دنیای پرشتاب فناوری امروز رسانه های جمعی افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده و آنها را از تعامل با دیگران باز میدارد البته این موضوع نافی منافع ابزارهای تکنولوژی نیست اما نوع بهره برداری غیرفرهنگی از ابزار های فنی موجب شده است که کاربرد آنها عمدتاً در جهت تقویت فرد گرایی سوق پیدا میکند به عبارتی اگر جریان فرهنگی شدن ابزار های رسانه ای تحقق یابد مضرات آنها به شدت کاهش یافته و کاربرد اصلی خود را پیدا میکنند برخی نظریه ها بیانگر این مطلب هستند که ذات ابزار های الکترونیکی به دلیل استفاده از عنصر تغییر نمی تواند موجب آرامش باشند بلکه مخل ان هستند برخی دیگر این نظریه را افراطی و یک سوپه میدانند کارکردهای رسانه های جمعی به ویژه رسانه های شنیداری و غیر متعامل به دلیل کاربرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته به تدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و موجب شده اند فضای انفرادی به جای فضای جمعی و عاطفی در خانواده حاکم شود بهطوری که گسترش تکنیکی رسانه های شنیداری و رایانه ای ارتباط مستقیمی با فرد گرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان میدهد به عبارت دیگر این ابزارها به تدریج فضای روانی و محیطی گفت و گو را در یک ارتباط بین فردی خدشه دار میکنند و اعضای گروه را بجای هم گرایی به واگرایی سوق میدهند تا جایی که هر عضو خانواده صرفاً در یک فضای مشترک زندگی کرده اما هیچ تعاملی باهم نخواهند داشت و متأسفانه اهداف آنها نیز به تدریج نسبت به هم واگرا و منفی می شود در این مسیر تعامل واقعی فرد به جای آنکه با افراد دیگری در محیط انسانی سامان یابد با رسانه های الکترونیکی شکل میگیرد و به دلیل برتری تکنولوژیکی و تجهیزات خیره کننده رسانه ای نوعی رعب فرهنگی و انفعال شخصیتی در فرد ایجاد می شود در نتیجه افراد خانواده بجای گفت و گو صمیمی با

یکدیگر که می تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر شود با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار میکنند ارتباطی که فاقد عاطفی و احساسی و هیجانی است آسیب ارتباطی ناشی از حضور رسانه ها بیشتر در دو نوع ارتباط بروز میکند یکی ارتباط بین فرزندان و والدین و دیگری ارتباط بین زن و شوهر است تجربیات نشان میدهند که هر اندازه ارتباط میان فرزندان و والدین و همچنین ارتباط میان همسران به دلیل تغییر مخاطب کاهش یابد پیوند عاطفی و هیجان و همچنین هم گونی شناختی میان اعضای خانواده نیز کاهش می یابد که این موضوع انسجام گروه را به مخاطره می اندازد (کازنو، ۱۳۸۴)

به اعتقاد بیلینگ رسانه های گروهی اغلب به شیوه های غیر مستقیم اما فراگیر اطلاعات و آگاهی های بسیاری را به مخاطبان منتقل میکنند که زندگی روزمره آنان را زیر نفوذ خود قرار میدهد و بدیهی است که کودکان و نوجوانان از این تاثیرپذیری مستثنا نیستند همچنین شواهد پژوهشی متعدد وجود درد که نشان میدهد رسانه های گروهی به ویژه تلویزیون فیلم های سینمایی و مطبوعات می توانند بر دانش و اعتقادات ملی مخاطبان گروه های سنی متفاوت تاثیر بگذارند (حسینی انجدانی و همکاران، ۱۳۸۸)

در عصر فواران اطلاعات دغدغه بسیاری از والدین آگاهی یافتن از اموخته های فرزندانشان و به نوعی نظارت بر نحوه یادگیری آنها است در واقع می توان دو جنبه رشد در ذهن کودک تشخیص داد در یک چیزی است که می توان آن را جنبه روان شناسی اجتماعی رشد نامید و آن عبارت است از آنچه کودک از خارج و به وسیله خانواده مدرسه و انتقال تربیتی کسب میکند و در طرف دیگر رشد دیگری وجود دارد که می توند خود به خودی نامیده شود که آن را رشد خودهوش می نامند که عبارت است از آنچه کودک به وسیله خودش یاد میگیرد استفاده از رسانه های گروهی مثل تلویزیون و کامپیوتر و حتی بازی های کامپیوتری یکی از روش های مهم اجتماعی شدن بچه ها به شمار میرود تا آنجا که در دوران کودکی یکی از چند منبع جامعه پذیر کردن بچه ها همین رسانه های گروهی هستند و در دنیای امروز از آنها گریزی نیست (ملوین و اورت، ۱۳۸۳)

از آنجا که در این پژوهش نقش رسانه ها به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر رشد مورد بررسی قرار میگیرد لازم است به خلاصه ی از پیشینه نظری در زمینه تاثیر رسانه ها بر مخاطبان پرداخته شود دو نظریه (کاشت) و (استفاده و رضایت مندی) بیش از سایر نظریه ها به چارچوب این پژوهش نزدیک هستند نظریه کاشت حاصل دو دهه مطالعه جرج گربنر درباره تاثیر تلویزیون بر مخاطبان است بر اساس نظریه کاشت افرادی که در مواجهه زیاد با وسایل ارتباطی جمعی به ویژه تلویزیون قرار دارند به مرور جهان را به گونه ای ادراک میکنند که بجای انطباق با واقعیت بیرونی بیشتر با آنچه رسانه ها درباره واقعیت بیان میکنند همخون است گربنر در مطالعات خود مخاطبان را به دو دسته پرمخاطب و کم مصرف تقسیم میکند بینندگان پرمصرف ان دسته از مخاطبان تلویزیونی هستند که ۴ ساعت یا بیشتر تلویزیون تماشا میکنند و انتخاب برنامه ای که می بینند برایشان اهمیت

ندارد اما بینندگان کم مصرف روزانه ۲ ساعت یا کمتر به صورت برنامه ریزی شده یا انتخابی تلویزیون تماشا میکنند تلویزیون منبع اصلی گروه پرمصرف برای ساخت واقعیت است در حالی که بینندگان کم مصرف از سیر رسانه به موازات تلویزیون استفاده میکنند این نظریه پس از اصلاح مخاطب تلویزیون را موجودی فعال میدانند که محتوی برنامه های دریافتی را فعالانه تفسیر می کند.

نظریه استفاده و رضایت مندی افزون بر اینکه مانند نظریه کاشت مخاطب را فعال و هدفمند می داند بر انگیزه های استفاده از رسانه ها نیز به گونه ای خاص تاکید می ورزد بر اساس این نظریه که در سال ۱۹۵۹ از سوی کاتز ارائه شد مردم برای برآوردن برخی از نیاز های خود از رسانه ها استفاده میکنند به بیان دیگر انگیزه های متعددی وجود دارد که فرد را برای رضایت مندی به سوی رسانه سوق میدهد پژوهشگران این رویکرد مخاطب را فعال و انتخاب کننده محتوای رسانه فرض میکنند و بر نیاز های شخصی جهت گیری ها و فعالیت های تفسیری وی به ویژگی های فردی و اجتماعی تاکید می ورزند از تحقیقات متعددی که در امریکا و انگلستان در مرود تاثیر تلویزیون بر روی بچه ها عمل آمده می توان ابتدا این نتیجه را گرفت که تلویزیون مثل سایر وسایل چون بچه ها را با مسائل و ارزش های افراد بالغ در تماس قرار میدهد اضطراب های آنان در مورد آینده شان و به طور کل عدم احساس امنیت شان را افزایش میدهد و خیلی زود پیچیدگی شرایط خانوادگی اجتماعی و انسانی را بر آنها آشکار می سازد از سوی دیگر با نزدیک شدن به سنین نوجوانی اهمیت نقش رسانه ها در اجتماعی کردن افراد فزونی می یابد چنان که ارنست از پژوهش های خود نتیجه گرفت که با کاهش نقش والدین به عنوان عامل جامعه پذیری قدرت رسانه ها در این زمینه افزایش می یابد این وضعیت به طور خاص در نوجوانان که به دنبال استقلال هستند و منابع جامعه پذیری خارج از خانواده را جست و جو میکنند مصداق بارزتری (هوفمن و تامسون، ۲۰۰۹) دارد. تلویزیون رسانه ای است که در همه جا وجود دارد و محتوای آن به دقت تهیه شده و غالباً در واقع گرایان آن کودکان استنباط مفهومی از محتوای تلویزیون دارند و نع درباره ی زندگی واقعی جهانی تلویزیون ظاهراً آن را ترسیم میکند فرایند ارتباطات از راه دور و استفاده از ماهواره و دیگر رسانه های گروهی برای پخش امواج در سطح گسترده شمشیری دو لبه است که می تواند پیامدهای مثبت و منفی را به دنبال داشته باشد الگو گزینی کودکان و نوجوانان از رسانه های تصویری در دهه های اخیر توجه پژوهشگران روان شناسی را به خود جلب کرده است تلویزیون به عنوان وسیله ای برای شکل دادن افکار عمومی با زیر پوشش قرار دادن معضلات اجتماعی و مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی و همچنین با عرضه برنامه های تفریحی و نمایشی اش نقش خود را می نمایاند اما بدون توجه به نوع برنامه ای که از آن پخش می شود مانند مجله های خبری موسیقی ها و مسابقه های تلویزیونی نمایش مجموعه ها و مانند آن این وسیله ارتباطی در هر حال ملزم به ارائه یک پیام ایدئولوژیک است.

کارکرد های مثبت تلویزیون

۱) پرکردن اوقات فراغت

انسان ها هر سنی داشته باشند یک فعالیت اصلی و محوری دارند که گذراندن زمان در آن سن حول آن محور است این فعالیت اصلی در طول زمان (بخاطر طبع خاص انسان) برای انسان معلال اور می شود این تنوع اولاً باید غیر از آن فعالیت اصلی باشد و ثانياً در زمانی خارج از زمان آن فعالیت باشد تا اسیبی به این فعالیت نرسد فعالیت اصلی کودک پیش از مدرسه بازی و پس از مدرسه درس است طبیعی است که کودک از بازی و درس خسته شده و نیازمند یک فعالیت جانبی می شود تا اوقات خالی از فعالیت اصلی را پر کند و خستگی های خود را برطرف کند تلویزیون یکی از بهترین چیزهایی است که می تواند اوقات فراغت کودک را پر کند (اذری، ۱۳۷۷).

برخی از اندیشمندان با طرح پرسش های غیر مستقیم از کودکان و روابط دادن پاسخ آنها به رفتارشان به این نتیجه رسیده اند که دلایل تلویزیون توسط کودکان دسته کم به سه دسته بزرگ تقسیم می شوند اولین دسته از این دلایل که حجمی چندین برار دسته دومی دارد شامل گذراندن اوقات فراغت است کودکان وقتی با این هدف به تماشای تلویزیون می نشینند بیشتر خواهان برنامه های شاد و سرگرمی های پر هیجان و ساده هستند در این مرحله توجه کمتری به برنامه های آموزشی شده و آرامش بخش ترین برنامه ای که موجب افزایش احساس خوش بینی و امنیت خاطر مخاطبان میشود برنامه های خانوادگی است (همان منبع) در طی فرایند رشد شناختی کودک به تدریج مهارت های لازم برای یاد گیری و درک تجارب جدید می آموزد با پیشرفت تکلم کودک تعامل بیشتری با محیط پیدا میکند وی هر روز از طریق بازی تماشای تلویزیون و مشاهده اطراف خود اطلاعاتی بدست می آورد وی به تدریج با کمک کلمات و نشانه به حل مسائل و ابزار افکار احساسات خود می پردازد و با کسب اطلاعات جدید به صورت مداوم درک خود را از دنیای اطرافش سازماندهی می کند پس از هیجانان اولیه مانند شادی غم و ترس با رشد کودک به تدریج دامنه وسیع تری از هیجانان اشکار می شوند کودک در سنین پیش دبستانی هیجانان پیچیده تری مانند احساس گناه شرم و خجالت را ابراز میکند در این زمان وی مهارت بیشتری در تکلم بدست آورده و برای ابراز احساسات بجای حرکات فیزیکی از کلمات استفاده میکند کودک ممکن است در نامگذاری احساسات خود مشکل داشته باشد به علاوه کودک در این سنین در برخورد با احساسات منفی شدید ممکن است دچار سردرگمی و ترس شده قادر به کنترل این هیجانان نباشد بنابراین کودکان برای شناخت درست احساسات و نیز برای کنار آمدن با احساسات منفی و دشوار نیاز به حمایت و یاری والدین دارند.

کودکان باید بدانند که هیجان‌اتشان واقعی و قابل قبول است و فقط باید به شیوه ای درس ابراز شوند بنابراین در باره احساسات و هیجان‌ات مختلف بایستی با کودک صحبت شود و یا از طریق برنامه های مختلفی که کودک در تلویزیون می بیند و یا رفتارهای والدین و اطرافیان نسبت به ابراز صحیح و به موقع هیجان‌ات آموزش لازم داده شود می توان برای کودکان با کشیدن تصاویری از صورت های ساده با احساسات مختلف کمک به نامگذاری هیجان‌ات کرده و در این صورت است که کودک فرا می گیرد که احساسات منفی و مثبت خود را به صورت صحیح ابراز کند(درانی،۱۳۸۱).

کودکان تمایل شدیدی به تایید شدن توسط والدین دارند در نتیجه می خواهند بچه ی خوبی باشند تا پدر و مادر با آنها محبت کنند بسیاری از رفتار های کودک در این سنین به فرایند تکاملی وی مربوط است نه غیر اخلاقی بودن شخصیت وی کودک در این سنین خود محور بوده و کنترل تکانه ها برایش دشوار است آموزش اخلاقی از طریق برنامه های کودک به رشد و درون سازی این ارزش ها کمک میکنند و همچنین به تدریج و با تلاش والدین در تعیین قوانین روشن و ثابت در منزل مانند (خشونت کتک زدن و گاز گرفتن ممنوع است) کودک به نوعی آگاهی دست می یابد و مجموعه ای از عادت های درونی در وی شکل میگیرد که بنیان اخلاقی کودک را می سازد شیوه ی برخورد والدین با رفتار های کودک و نیز طرز رفتار آنان با دیگران رهنمای کودک در این فرایند است در ابتدا کودک برای جلب رضایت والدین و تایید ان و از قوانین تبعیت می کنند و سرانجام این قانون ها تبدیل به اصول اخلاقی درونی شده و جزئی از شخصیت وی خواهد بود(کلین،۲۰۰۴).

۲) تلویزیون و اجتماعی شدن

زندگی اجتماعی دارای شاخص ها و نماد هایی است بدون شناخت نمادهای اجتماعی نمی توان در اجتماع زیست در واقعه مقدمه زندگی اجتماعی شدن است تولد کودک مقارن با اجتماعی شدن اوست به هم همان نسبت که کودک رشد میکند باید همزمان رشد اجتماعی نیز داشته باشد زیرا رشد پرورش و جامعه پذیری سه ماهیت همراه در وجود کودک است.

کودکی یعنی سال هایی که انسان راه و رسم را می آموزد اولین جایی که کودک اجتماعی شدن را می آموزد خانواده است ولی توان خانواده برای پاسخ گویی به این نیاز بزرگ ناچیز است گرچه مدرسه در کنار خانواده تا اندازه ای خانواده را در این مسیر کمک میکند ولی به دلیل اینکه نیاز کودک فراتر از این حد است باز هم کمبود به وضوح مشهود است ولی تلویزیون به دلیل برنامه های فراگیر و متنوع بهترین وسیله ای است که می تواند این نیاز کودک را برطرف کند زیرا تلویزیون واسطه ای فراگیر است که در دسترس همه کودکان قرار دارد کودکان از طریق تلویزیون درباره خود و زندگی خود چگونگی رفتار در شرایط گوناگون و چگونگی برخورد با

مشکلات خانوادگی و شخصی چیزهای زیادی می آموزند و این اجتماعی شدن از طریقی تلویزیون با توجه به ویژگی های تلویزیون و کودک از هرچیزی نافذتر است (شرام و همکاران. ۱۳۸۶).

برخی از جنبه های اجتماعی شدن کودکان عبارتند از:

درک نقش جنسیتی: جنسیت دربرگیرنده مجموعه ای از مفاهیم و باورست هاست درباره اینکه که ما چگونه فردی هستیم چگونه ویژگی ها و شخصیت خود را به نمایش بگذاریم چگونه با دیگر مردم رفتار کنیم و چگونه باید باشیم؟

انتخاب شغل: مسیر واقعه ای انتخاب کار یا حرفه ممکن است باتوجه به قابل رویت بودن شغل های خاصی که در قلمرو عمومی به ویژه از طریق رسانه های عمومی از جمله تلویزیون میسر می شود شکل گیرد تلویزیون باورهای قالب بندی شده شغلی در کودک ایجاد میکند که این می تواند کوتاه مدت یا بلند مدت باشد (گونز و ال. ۱۳۸۰)

نقش های خانوادگی: تلویزیون در شکل دهی به باورهای کودکان درباره زندگی خانوادگی نقش مهمی دارد. تلویزیون خانواده های نمونه را برای بینندگان از جمله کودکان معرفی میکند و بر ارزش های خاص تاکید می ورزد یا برخی از مسائلی که برای اعضای خانواده مهم هستند به بینندگان ارائه میکند در این میان کودک نقش های خانوادگی خود را در خلال برنامه های تلویزیون می یابد بنابراین تلویزیون به یک معنا نمایش دهنده خانواده و نقش های خانوادگی است که کودک آنها را می آموزد (عزیزی. ۱۳۸۳).

معلومات عمومی: بیشتر بینندگان در اتاق جراحی دادگاه پاسگاه پلیس زندان یا اتاق هیئت مدیره موسسه ای نبوده اند اما درباره هریک از اینها اطلاعاتی دارند بیشتر چیزهایی که در این موارد میدانند از طریق تلویزیون بدست آورده اند اطلاعاتی که کودکان از طریق صفحه ی تلویزیون کسب میکنند شاید کمتر از اطلاعات بزرگ ترها نباشد با این تفاوت که کودکان تجربه ای کمتر از بزرگسالان نسب به زندگی دارند و تبع ان ممکن است راحت تر به وسیله چیزهایی که در تلویزیون می بینند فریب بخورند و اغعیت این است که با وجود تمام مزایای مثبت تلویزیون از قبیل نقش های برجسته ان در امر اطلاع رسانی و آموزش فرهنگ پذیری ایجاد تفنن و سرگرمی تماشای تلویزیون به ویژه در سال های نخست زندگی کودک اثرات بدی بر مهارت های فکری و ارتباطی کلامی و حتی خلاقیت کودک دارد تماشای تلویزیون به صورت متمادی باعث می شود کودکان از فعالیت هایی که می توانند و باید در زمان رشد خود انجام دهند غافل بمانند و در اصطلاح کودکی نکنند به عنوان مثال بازی ارتباط یا کودکان دیگر و حتی بزرگسالان که به تقویت مهارت های کلامی و ارتباطی و عاطفی کودک می انجامد اگر در زمان خود و به موقع صورت نپذیرد کودکان امروزه را به مشکلات جدید در آینده رو به

رو خواهد کرد کودک به عنوان مخاطب فعال ساعت ها رو به روی تلویزیون می نشیند و به تماشای آن می پردازد و در واقع مهارت های لازم ضمن رشد را نیاموخته و تجربه نکرده

البته در کنار مسائل مطرح شده تلویزیون نقش زیادی در تعلیم و تربیت داراست برخی از کارکرد های مثبت تلویزیون عبارتند از: افزایش آگاهی های کودکان در زمینه جغرافیایی علمی و مسائل بهداشتی^۲ تشویق کودکان به کارهای خوب با نمایش دادن مهربانی و سخاوت^۳ - گسترش برنامه های آموزش یا اسفاده صحیح از تلویزیون و تشویق کودکان^۴ - ایجاد دوستی چه باگرد هم جمع کردن خانواده و چه با در اختیار گذاشتن مجموعه ای از دوستان خیالی برای کودک^۵ - ترویج و آموزش های ارزشی اجتماعی و دینی.

۶- معرفی روش های دوستیابی و حفظ دوستی^۷ - ایجاد حس مسئولیت در کودکان^۸ - جلوگیری از رفتار خودخواهانه کودکان با به تصویر کشیدن رفتارهای جامعه گرایانه(دلنامه و مایرز، ۲۰۰۷)

جایگاه متفاوت تولید و ساخت و تفاوت در متن و محتوای برنامه های تلویزیونی و کامپیوتری ممکن است بچه ها با ابعاد مختلفی از جامعه آشنا کند و احتمال آن زیاد که امیزه های سالم و مفیدی برای جامعه پیدا نکنند شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از روان شناسان و مشاوران و مربیان از مخالفان سرسخت تلویزیون و کامپیوتر در اتاق های خواب کودکان و نوجوانان هستند استدلال این روانشناسان و مشاوران این است که انزوای و نقصان در مهارت های اجتماعی احساسی در این کودکان دیده می شود داشتن وسایل الکترونیکی بصری در اتاق های کودکان زمانی را که خانواده در کنار هم میگذارند به شدت کاهش و احتمال خطر آشنایی زودهنگام کودکان با مسائل جنسی را افزایش میدهد در این کودکان تعامل اجتماعی و در حقیقت زمان بازی با هم سن و سالان رفته رفته از بین می رود اثرات منفی این قضیه در مدارس به خوبی قابل محسوس و ملاحظه است معمولا این بچه ها در کلاس درس مدت زمان کوتاه تری توجه شان به درس معطوف است و تقریبا مایلند همیشه راه خود را در پیش گیرند این کودکان در مهارت های اجتماعی پایین تر از میانگین کلاس هستند و دچار انزوای خارجی می شوند دوم اینکه دانستن چند مسئله در مورد پیشرفت و رشد ذهن کودکان است استفاده از تلویزیون و کامپیوتر در صورتی می تواند در رشد ذهن کودک موثر باشد که سایر شرایط آموزش نظیر محیط زندگی کودک در بهترین حالت خود باشد در واقع تحریک و برانگیختن ذهن و هوش نیازمند آن است که کودکان و نوجوانان ما در سلامتی و شادابی کامل به سر ببرند(گاربنر، ۱۹۹۴).

در کودکان هم مهارت های روان شناختی و جامعه شناختی باید افزایش یابد و هم دانش اکتسابی آنها در زمینه های مختلف رشد کند آنچه تلویزیون به کودک یاد می دهد ممکن است در رشد روانشناختی و هوش انتزاعی او موثر بوده تاثیراتی روی رشد فردی اش داشته باشد اما به لحاظ جسمانی و هوش اجتماعی نمی تواند پاسخ گوی نیاز های او باشد و استفاده بیش از حد از این وسایل سبب می شود که کودک از نظر جسمانی دچار ضعف شود

و در منحنی رشد او تغییراتی ایجاد شود در صورتی که رسانه ان چنان بر زندگی کودک احاطه داشته باشد که او را از سایر فعالیت های اجتماعی نظیر بازی با هم سن و سالان دور سازد کودک در فضیای مجازی رشد و زندگی میکند این فضای مجازی به زندگی واقعی بسیار فاصله دارد و سبب می شود در آینده تطبیق پذیری کودک ب جامعه دچار مشکل شود احاطه تلویزیون و کامپیوتر ممکن است به سردی روابط اجتماعی کودکان ب والدین و هم سن و سالان بینجامد و این کم رنگ بودن سطح اجتماعی سبب پایین و آمدن مهارت های اجتماعی می شود از جنبه ی دیگر می توان گفت به دلیل منابع متنوع رسانه ای و موضوعات متفاوتی که حتی دسته بندی کردن آنها دشوار است نوع بیش از حد سبب می شود که هم زبانی و همگنی بین کودکان از بین برود از آنجا که اجتماع به انسان هایی نیاز دارد که هم زبان بوده و ادبیات مشترک داشته باشند با از بین رفتن این زبان مشترک حداقل توافق بین مردم جامعه وجود ندارد و ادراه جامعه مختل میشود چرا که هنجار های مشترک از بین می روند و مناسبات اجتماعی دچار مشکل می شوند.

اینترنت امروزه جایگاه ویژه ای در ساختار زندگی خانواده ها پیدا کرده است و رایانه به عنوان یک وسیله اما با کاربردی متفاوت تر متنوع تر و شخصی تر وارد خانه شده و عرصه زندگی اجتماعی دچار تغییر و تحول نموده و روابط اجتماعی جدیدی با ویژگی های نوین در جامعه حاکم می سازد دلیل اصلی خانواده از خرید رایانه و اتصال شبکه اینترنت در منزل آموزش است والدین اعتقاد دارند که این ابزار نگرش کودک را به مدرسه بهبود می بخشند اما با گسترش سریع استفاده از این فناوری سوال مهمی که ایجاد می شود این است که تاثیر ان بر ارتباطات بین اعضای خانواده به چه صورت است.

استفاده از اینترنت به چند دلیل بر روابط خانواده تاثیر می گذارد که عبارت است از:

استفاده از اینترنت یک فعالیت زمان گیر است پس می تواند مدت تعامل کودک با خانواده اش را کاهش دهد زمان اختصاص داده شده برای تعامل با یک دیگر پیش شرایط ارتباط با کیفیت است.

اینترنت کشمکش های جدیدی را در خانواده ایجاد کرده و وجود فقط یک رایانه در منزل رقابتی بین کودک و والدین برای استفاده از رایانه ایجاد میکند که گاهی سبب کشمکش می شود.

استفاده از صفحه وبی که از نظر محتویات متناسب سن کودک نیستند سبب بحث و کشمکش بین والدین و کودکان می شوند

والدین نگران هستند که اینترنت کودک را از سایر فعالیت ها منحرف کند و همچنین اثر ایزوله کننده ی بر او داشته باشد.

یکی دیگر از الگوهای رفتاری منفی که متأثر از رشد اینترنت و فناوری اعتیاد به اینترنت است نگران کننده ترین جنبه ی اعتیاد به اینترنت آسیب دیدن کودکان است آنها به راحتی به بازی های چند نفره حتی بخش های مبتدل وابسته می شوند معتادان به اینترنت ساعت های بسیار طولانی در طول روز را به استفاده از این وسیله ارتباطی میگذارند به نحوی که عملکرد شغلی و اجتماعی آنها تحت تاثیر قرار میگیرد کارشناسان این نوع استفاده غیر طبیعی از اینترنت را اصطلاحاً (اعتیاد به اینترنت) می نامند علت اعتیاد به اینترنت در بسیاری از این افراد دستیابی به راهی برای سرکوب اضطراب ها و تنش های زندگی است به گفته پژوهشگران احتمال اعتیاد به اینترنت در افراد گوشه گیر و افرادی که در ارتباط های اجتماعی و بین فردی خود مشکل دارند بیش از سایرین است.

علائم شناخته شده این اختلال شامل:

استفاده از اینترنت جهت خوش گذرانی شادی یا تسکین استرس

احساس تحریک پذیری غیر قابل کنترل و افسردگی زمانی که از رایانه استفاده نمی کنند

صرف زمان طولانی و هزینه زیاد برای سخت افزار و نرم افزار روزنامه ها و فعالیت های مربوط به رایانه بیخیال شدن نسب به کار و مدرسه و خانواده (زوین، ۲۰۰۳).

بدون شک امروزه در فرایند جامعه پذیری فراد با گرایش به سمت رسانه های جمعی بنا به هر دلیلی افراد به اثر پذیری وادر می شوند به گونه ی که آنان آگاهانه و ناآگاهانه از برنامه هایی که تماشا میکنند الگو و سرمشق می گیرند با توجه به اهمیت زیاد رسانه های جمعی در عصر حاضر و نقش بارز آنها در رشد و تربیت کودکان و نوجوانان باید خیلی مراقب باشیم.

جمع بندی

نهاد خانواده تحت تاثیر عوامل متعدد درونی و بیرونی این تغییرات را تجربه کرده است همان طور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین میزان استفاده از رسانه هایی مانند تلویزیون و ماهواره و کامپیوتر و میزان تاثیرپذیری رشد اجتماعی و شناختی رابطه وجود دارد و بین میزان استفاده از رسانه هایی مانند تلویزیون و ماهواره و کامپیوتر و میزان تاثیرپذیری رشد عاطفی و روانی وجود ندارد رسانه ها به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر تحولات خانواده نقش اساسی در دگرگونی روابط درونی بین اعضای آن داشته اند این تحولات باعث سست شدن پیوندهای درون خانواده افزایش طلاق ناتوانی در تربیت فرزند و... شده و از سوی دیگر پیامدهای مثبتی چون افزایش سطح آگاهی اعضای خانواده شناخت روش های بهتر در برخورد با فرزندان استفاده بهینه از امکانات بهداشتی و آموزشی و... داشته است در واقع رسانه از سویی باعث تقویت برخی از ارزش های اجتماعی و از سوی دیگر باعث تضعیف آنها شده است آنچه می تواند نقش و اهمیت رسانه را در بعد مثبت آن افزایش دهد شناخت علمی و دقیق ویژگی ها و کارکردهای نوین خانواده است و تنها در این صورت رسانه می تواند با تولید برنامه های مناسب ضمن دستیابی به اهداف تعریف شده از پیامدهای ناخواسته آن جلوگیری کند و همچنین رسانه می تواند با اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم بر نهاد خانواده بسیاری از ناهنجاری های درون خانواده را کاهش دهد و در تعالی خانواده موثر واقع شود از آنجا که الگو سازی رسانه برای والدین و فرزندان امری بدیهی است و تجربیات فراوان این موضوع را به اثبات رسانده است عملکرد رسانه در غالب طرح الگو های موفق ضمن تقویت باورهای درست و تصحیح نگرش های نادرست منجر به تغییر رفتار به عنوان هدف غایی آموزش خواهد شد.

پیشنهادات

امروزه رسانه ها به عنوان یکی از وسایل ارتباطی دسته جمعی است که کاری کرده است که هر خانواده یک نوع از آنها را داشته باشند و حتی شده از روی چشم و هم چشمی پول قرض بیگیرند تا بتوانند این دستگاه رسانه را داشته باشند.

رسانه ها دو جبهه ی مثبت و منفی دارند که به طرز استفاده مخاطب بستگی دارد که در کدام جبهه قرار گیرد کسی که از رسانه ها درست استفاده کند خیلی در کارش موفق می شود چون تقریباً تمام دانش ها را در رسانه ها جا سازی کردند و شیوه ی یاد گیری ان هم به صورتی است که مخاطب را جذب میکند پس اگر به جبهه ی منفی ان را نادیده بگیریم رسانه ها دستگاه های پرکاربرد مثبتی می شوند ولی از اونجایی که طبع انسان دوس دارد همه چیز را یک دفعه تجربه کند وارد بعد منفی رسانه ها می شود که کشوره های خارجی خیلی در زمینه ی منفی رسانه ها تلاش کردند که بتوانند از این راه جذاب و فریبنده نوجوانان و کودکان را به سوی فرهنگ خود بکشن و اعتقادات و باورهای دینی آنها را تغییر دهند.

بعد منفی رسانه ها به جز اینکه بر روی عقیده ها و باورهای دینی کودکان و نوجوانان تاثیر میگذارد تاثیر های دیگری هم دارد که عبارتند از: ۱. پرخشگری و بی ادبی ۲. گوشه گیری و نا امیدی ۳. روابط نامشروط دختر با پسر ۴. بی احترامی به والدین و بزرگ ترها ۵. اختلالات در سیستم بدنی فرد و...

منابع

۱. سعید اذری اثرات رفتاری تلویزیون بر کودکان و نوجوانان مجله ی پژوهش و سنجش ش ۱۵ و ۱۶. پاییز و زمستان ۱۳۷۷
۲. بری گونز و بیل مک الر کودک و تلویزیون ترجمه نصرت فتی تهران: سروش ۱۳۸۰
۳. کمال درانی استفاده از رسانه های گروهی نزد دانش آموزان دوره راهنمایی و متوسط شهر تهران در رسانه های تصویری مجله روان شناسی و علوم تربیتی دوره جدید سل چهارم شماره ۲ ۱۳۸۱
۴. هدایت الله ستوده روان شناسی اجتماعی تهران مرنديز ۱۳۸۳
۵. حسینی انجدانی مریم و دیگران نقش رسانه ها در رشد هویت ملی نوجوانان شهر تهران فصلنامه پژوهش های ارتباطی شماره ۲ ۱۳۸۸
۶. شهلا عزیزی خانواده و تلویزیون تهران مرنديز ۱۳۸۳
۷. سید محمد دادگران مبانی ارتباط جمعی تهران نشر مروارید و فیروزه چاپ هشتم ۱۳۸۴
۸. ژان کازنو جامعه شناسی وسایل ارتباط اجتماعی ترجمه باقر ساروخانی چاپ هشتم انتشارات اطاعات ۱۳۸۴
۹. دفلور ملوین و دنیس اورت شناخت ارتباطات جمعی ترجمه سیروس مرادی تهران دانکشدۀ صدا و سیما ۱۳۸۳

۱۰. تژا میرفخرایی زبان رسانه و بازنمایی هویت فصلنامه ی پژوهش و سنجش ۱۳۸۵

۱۱. ولیبر شرام جک لایل و ادوین بی پاکر تلوزیون در زندگی کودکان ترجمه محمود حقیقت کاشانی تهران مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما

۱۲. حمید رشید پور تربیت دینی و اخلاقی نشریه پیوند شماره ۲۴ ۱۳۸۴